

بررسی چگونگی تعامل ورزش - سیاست خارجی بر پایه «نظریه میدان» پی‌یر بوردیو

ناصر هادیان^{۱*}، امیر هوشنگ کریمی^۲

^۱ استادیار، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران
^۲ دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

چکیده

ورزش مدرن، نقش و جایگاه مهمی در جهان معاصر دارد. با وجود گزاره مفروض «جدایی ورزش از سیاست»، باید اذعان کرد که رابطه دوسویه استواری میان ورزش و سیاست در حوزه داخلی و عرصه خارجی برقرار است. پژوهش‌های زیادی درباره تأثیر متقابل ورزش و سیاست انجام شده و نظریه‌پردازان اجتماعی در قالب نظریه‌های «جامعه‌شناسی ورزشی» به این مقوله پرداخته‌اند. با این حال، در نظریه‌های روابط بین‌الملل در مورد رابطه «ورزش - سیاست خارجی» به لحاظ نظری کار پژوهشی چندانی انجام نشده است. از آنجایی که برای درک بهتر چرایی اهمیت ورزش در سیاست خارجی کشورها، وجود بستر نظری و چارچوب مفهومی لازم است، با طراحی یک مدل مفهومی با الهام از «نظریه میدان» بوردیو، می‌توان به توصیف و تبیین تعامل میان ورزش و سیاست خارجی مبادرت ورزید. پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از: ۱. ماهیت رابطه بین ورزش و سیاست خارجی چیست؟ ۲. میزان تأثیرگذاری ورزش بر روابط دیپلماتیک، و پیشبرد صلح در نظام بین‌الملل چیست؟ در فرضیه پژوهشی استدلال می‌شود که ورزش بین‌الملل به‌عنوان ابزاری موثر در سیاست خارجی با ایجاد فرصت برای دیپلماسی عمومی و افزایش قدرت نرم کشورها، به انعطاف‌پذیری و پیشبرد صلح در روابط دیپلماتیک کمک می‌کند. با رویکردی کیفی و استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای دیدگاه‌های علمی و شواهد موجود در منابع مکتوب، و تأکید بر دو عنصر نظریه پی‌یر بوردیو یعنی «میدان و سرمایه» و تعمیم آن به عرصه جامعه بین‌الملل و کاربری مؤلفه‌های «قدرت نرم» و «دیپلماسی ورزشی»، رابطه ورزش با سیاست خارجی و چگونگی بهره‌گیری کشورها از میدان بین‌المللی ورزش در راستای اهداف سیاست خارجی تبیین می‌شود.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی عمومی، دیپلماسی ورزشی، قدرت نرم، سیاست بین‌الملل، مدل مفهومی.

* نویسنده مسئول، رایانامه: nhadian@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲ شهریور ۱۳۹۸، تاریخ تصویب: ۳۰ خرداد ۱۴۰۱

۱. مقدمه

«ورزش» به منزله یکی از مهم‌ترین برساخته‌های بشری و سازه‌های اجتماعی و در زمره فراگیرترین پدیده‌های دنیای معاصر، نقش در حال گسترشی در میان جوامع و روابط بین کشورها ایفا می‌کند و به عاملی تأثیرگذار در جامعه و روابط بین‌الملل تبدیل شده است. ورزش را می‌توان از مهیج‌ترین پدیده‌های مدرن به‌شمار آورد (Kobierecki, 2013: 49). در دنیای امروز ورزش یک مؤلفه مهم اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی به‌شمار می‌آید. برخی بر این باورند که ورزش به‌تقریب بر همه جنبه‌های امروزی زندگی بشر تأثیر می‌گذارد (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۹۲: ۴). به‌نظر می‌رسد علت وجودی یا دلیل پیدایش پدیده‌ای به نام ورزش (رقابتی/ قهرمانی) که ریشه آن به دوران یونان باستان بازمی‌گردد، مرتبط با مفاهیم «قدرت» و «سیاست» بوده است. در عصر یونان باستان و در ۷۸۰ پیش از میلاد، به‌عنوان سال آغاز رقابت‌های ورزشی با نام المپیک، ورزش و رقابت‌های ورزشی در سطحی محدود و ویژه جنگاوران و سلحشوران و در ارتباط با آمادگی‌های رزمی سامان یافت؛ و هدف از ورزش، تقویت بنیه رزم‌آوران و نمایش قدرت و برتری بر رقیب بود. از این‌رو، شاید بتوان مدعی شد سازه ورزش در عصر باستان به‌عنوان وسیله‌ای برای نمایش قدرت و کسب منزلت سامان یافت و پا به عرصه وجود نهاد. با وجود این، پس از یک دوره فترت ۱۵۰۰ ساله، رنسانس و نوزایی، «ورزش مدرن» به شکلی تحول‌یافته و متفاوت با ورزش در عصر باستان، در اواخر سده نوزدهم میلادی و آغاز دوران المپیک مدرن با پیش‌زمینه‌ای از صلح و مدارا آغاز شد.^۱

جنبش المپیک و برگزاری نخستین دوره مسابقات المپیک در عصر مدرن در ۱۸۹۶ میلادی متأثر از فضای ایده‌آلیستی و لیبرالیستی حاکم بر این دوران بود، و هدف جنبش المپیک نوین نه تقویت توانمندی جنگاوران، بلکه کمک به توسعه و تحکیم صلح و دوستی میان دولت - ملت‌ها تعریف شد. «ورزش در خدمت صلح و توسعه»^۲، شعاری است که به‌ظاهر تا به امروز در خصوص ورزش بین‌الملل مطرح است. با وجود این، ورزش مدرن می‌تواند به‌عنوان مفهومی چندوجهی با ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به‌منزله بعدی تازه از سیاست خارجی مورد توجه قرار گیرد که در گستره وسیعی از تعاملات میان دولت - ملت‌ها به‌تدریج نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کند. از این‌رو ورزش بیش از هر زمان دیگری به پدیده‌ای بین‌المللی و

۱. درباره تحولات المپیک باستان، بنگرید به: (Tomlinson, 2005).

۲. در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل مانند (UNGA Resolution 60/9 of 3 November 2005) و منشور بین‌المللی ورزش (مصوب یونسکو، ۱۹۷۸) بر این شعار مبتنی بر منشور المپیک نوین (۱۸۹۴) تأکید شده است. برای شرح قطعنامه‌های سازمان ملل، به درگاه کتابخانه دیجیتالی این سازمان مراجعه شود: (<https://digitallibrary.un.org>).

جهان‌شمول تبدیل و وارد دستور کار سیاست خارجی کشورها شده است. با وجود این، در رشته روابط بین‌الملل به پدیده ورزش بین‌الملل به‌عنوان پدیده‌ای فراگیر و در حال گسترش توجه چندانی نشده است. با وجود «کارکردهای شگرف ورزش در زندگی اجتماعی انسان‌ها و روابط بین جوامع خرد و کلان خصوصاً ملت‌ها، نوعی غفلت در زمینه پژوهش و مطالعه درباره ارتباط ورزش و روابط بین‌الملل وجود دارد» (زرگر، ۱۳۹۴: ۹). نویسندگان کتاب *ورزش و روابط بین‌الملل: یک رابطه در حال ظهور*، با وجود اذعان به اینکه «... ورزش بخش مهمی از نظام بین‌الملل است... و در آن تأثیر می‌گذارد...» (لورمور و بودر، ۱۳۹۶: ۶)، بر وجود بی‌اعتنایی مستمر میان ورزش و رشته روابط بین‌الملل تأکید می‌کنند. به باور دیوید بلک «ورزش کماکان در رشته روابط بین‌الملل به‌عنوان مفهومی جدی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه امری پیش‌پافتاده و سطحی به‌شمار می‌رود. پژوهشگرانی که در مورد ارتباط میان ورزش و روابط بین‌الملل بررسی و مطالعه کرده‌اند، بر این باورند که ورزش در حاشیه قرار دارد و این مبحث در سراسر جهان در میان علم روابط بین‌الملل، سیاست خارجی و علوم سیاسی مورد غفلت واقع و نادیده گرفته شده است» (Black, 2009: 119). تیلور ورزش و رشته روابط بین‌الملل را «از هم بیگانه» توصیف کرده است که میان آنها «بی‌اعتنایی متقابل» وجود دارد (Taylor, 1986: 45). جورج اورول^۱ روزگاری فوتبال را «جنگ منهای تیراندازی» توصیف کرده بود (Beck, 2013: 72) که گویای ماهیت رقابتی ورزش بین‌الملل است و جلوه‌ای از رقابت بر سر قدرت، منزلت و حتی ثروت را به‌نمایش می‌گذارد. با این تعبیر شاید بتوان ورزش و رقابت‌های ورزشی را «ادامه جنگ اما به روش صلح‌آمیز» و متمدن قلمداد کرد، یا آن را بدیل و جایگزینی برای جنگ دانست که در خدمت آرمان‌های بشری از جمله صلح قرار دارد. از این‌رو، برخی بر این باورند «اگر کماکان موضوع محوری روابط بین‌الملل را جنگ و صلح در نظر بگیریم، ورزش با هر دو در ارتباط نزدیک است» (زرگر، ۱۳۹۴: ۷).

با وجود کم‌توجهی به ورزش در نظریه روابط بین‌الملل، در عمل ورزش بین‌الملل و رقابت‌های ورزشی از جنبه‌های مختلف بر روابط میان کشورها تأثیرگذار است. گریکس دلایل نقش‌آفرینی و اثرگذاری ورزش در روابط بین‌الملل را «صدای رسای یک ملت»، «نقش کمکی و مکمل برای سیاست خارجی»، «فرصت و ظرفیتی مهم برای دیپلماسی عمومی»، «منبعی برای قدرت نرم» و «بالا بردن قدرت مانور و انعطاف‌پذیری در روابط دیپلماتیک» برمی‌شمرد (Grix, 2013: 20). بنابراین می‌توان گفت امروزه ورزش دیگر تنها فعالیتی سرگرم‌کننده و بی‌اهمیت تلقی نمی‌شود، بلکه موضوعی است با ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حتی دیپلماتیک.

در این پژوهش تلاش می‌شود تا پاسخ‌های مناسبی برای دو پرسش زیر ارائه شوند:

۱. ماهیت رابطه بین ورزش و سیاست خارجی چیست؟ ۲. میزان تاثیرگذاری ورزش بر روابط دیپلماتیک، و پیشبرد صلح در نظام بین‌الملل چیست؟ در فرضیه پژوهشی استدلال می‌شود که ورزش بین‌الملل به‌عنوان ابزاری موثر در سیاست خارجی با ایجاد فرصت برای دیپلماسی عمومی و افزایش قدرت نرم کشورها، به انعطاف‌پذیری و پیشبرد صلح در روابط دیپلماتیک کمک می‌کند. در اینجا استدلال می‌شود که با توجه به بی‌اعتنایی یا کم‌توجهی نظریه‌های موجود در روابط بین‌الملل به‌ویژه رهیافت‌های جریان اصلی به مقوله ورزش و نارسایی نظریه‌های خاص سیاست خارجی در تبیین و تحلیل چگونگی تعامل و رابطه متقابل میان ورزش با سیاست خارجی، می‌توان با طراحی یک الگوواره^۱ نظری و مدل مفهومی با الهام از «نظریه میدان» پی‌یر بوردیو و بهره‌گیری از مؤلفه‌های «قدرت نرم» و «دیپلماسی» (عمومی/ ورزشی) به سازماندهی نظری و طراحی مفهومی رابطه ورزش - سیاست خارجی مبادرت ورزید. شاید بتوان ادعا کرد تاکنون «بحث نظری» چندانی درخصوص رابطه و جایگاه ورزش در سیاست خارجی و «نظریه پردازی» درباره آن، در منابع فارسی انجام نشده است. از این‌رو، بحث نظری درباره چگونگی تعامل میان ورزش و سیاست خارجی، موضوعی مهم به‌شمار می‌رود و تلاش برای ارائه مدل مفهومی از رابطه میان این دو، نقطه آغازی است در این مسیر.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌گرفته و آثار منتشرشده در خصوص نقش و جایگاه ورزش در «سیاست و روابط خارجی» در ایران چندان چشمگیر نیست. به‌طور کلی کتاب‌ها، مقاله‌های تخصصی و سایر نوشته‌ها در زمینه ورزش را که به‌نوعی به موضوع‌های سیاست (داخلی و خارجی) و روابط بین‌الملل مرتبط‌اند، می‌توان در سه قالب موضوعی «ورزش و سیاست»، «ورزش و روابط بین‌الملل» و «دیپلماسی ورزشی» دسته‌بندی کرد. برای نمونه، مقاله «ورزش و سیاست» (ملکوتیان، ۱۳۸۸: ۳۱۶-۳۰۱) از معدود مقاله‌های پژوهشی است که در آن رابطه ورزش با سیاست به‌عنوان موضوع میان‌رشته‌ای بررسی شده است. این مقاله به لحاظ اهمیت موضوع «ورزش و سیاست» شایان توجه است، اما به‌نظر می‌رسد از قوت نظری و غنای مصداقی لازم برخوردار نیست. مقاله «ارتباط سنجی ورزش و سیاست با بهره‌گیری از نظریه آنتونیو گرامشی»^۲ از معدود

۱. الگوواره معادل Paradigm است، اما در این مقاله منظور از الگوواره نظری یا همان مدل مفهومی، طراحی مدل و چارچوبی است که با وام‌گیری از مفاهیم و مؤلفه‌های کلیدی نظریه میدان پی‌یر بوردیو (میدان و سرمایه) و بهره‌گیری از نظریه جوزف نای درباره قدرت نرم و تعمیم آن به قدرت نرم ورزش و مؤلفه‌های دیپلماسی عمومی/ ورزشی؛ بتوان به فهم بهتری از رابطه ورزش و سیاست خارجی دست یافت.

مقاله‌های پژوهشی در این حوزه میان‌رشته‌ای به‌شمار می‌رود که با مبنا قرار دادن یک نظریه جامعه‌شناختی یعنی «نظریه هژمونی» گرامشی به بررسی انتقادی رابطه ورزش و سیاست می‌پردازد (حشمت‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵). از دیگر پژوهش‌ها در زمینه ارتباط ورزش با سیاست و تأثیر آن بر هویت ملی، مقاله «ورزش، هویت ملی و سیاست عمومی» نوشته باری هولیهان است که به بررسی چگونگی استفاده دولت‌ها از ورزش برای کسب مشروعیت و کمک به تقویت و تثبیت هویت ملی می‌پردازد (Houlihan, 1997). کتاب «سیاست جهانی ورزش» که حاوی مجموعه مقاله‌هایی از جمله ورزش و جهانی شدن، ورزش، پرستیژ و روابط بین‌الملل است، این ادعای اساسی را مطرح می‌کند که ورزش جهانی به‌سوی عصر پسا‌وستفالی یا حتی نظام نو-قرون وسطایی از سیاست بین‌الملل حرکت می‌کند که مشخصه اصلی آن خودمختاری وسیع‌تر آن نسبت به نظام دولت-ملت‌های سده بیستم است (Allison, 2005). مقاله «نقش تبعی و تسریع‌کننده ورزش در فراهم کردن شرایط صلح در بین دولت‌ها» از جمله مقاله‌هایی است که به جنبه‌های ایجابی و مثبت رابطه ورزش با سیاست داخلی/خارجی و اهمیت دیپلماسی ورزشی پرداخته است (محمدی عزیزآبادی و التیامی‌نیا، ۱۳۹۴).

لورمور^۱ و بودر^۲ (۱۳۹۶) به بررسی مسائل اساسی در ارتباط بین ورزش و روابط بین‌الملل و موضوع‌هایی مانند نقش بالقوه ورزش در حل تعارض‌های بین‌المللی، دیپلماسی و رژیم‌های تحریم، ایجاد نظام‌های جهانی در ورزش و نقش آنها در تقویت وابستگی متقابل، نقش و تأثیر ورزش بر روابط و نظام بین‌الملل مدرن و ... پرداخته‌اند. نویسندگان در تلاش‌اند تا نشان دهند با وجود بی‌اعتنایی و بی‌اعتمادی متقابل میان ورزش و نظریه‌های روابط بین‌الملل، ورزش در عمل در بطن سیاست و روابط بین‌الملل قرار دارد، با این‌همه ارتباط میان «ورزش» با «سیاست خارجی» و موضوع‌هایی مانند «دیپلماسی ورزشی» در این کتاب چندان مورد توجه قرار نگرفته است. اگرچه مباحث مطروحه در کتاب تألیفی «سیاست و روابط بین‌الملل در ورزش» به موضوع بهره‌برداری سیاسی و ایدئولوژیک از ورزش و برخی ابعاد سیاسی و بین‌المللی ورزش می‌پردازد، با وجود این بدون نظم منطقی است، البته به رابطه میان ورزش با سیاست خارجی و به‌طور مشخص جایگاه ورزش در سیاست خارجی کشورها نیز نمی‌پردازد (شعبانی‌مقدم و فراهانی، ۱۳۹۴). نگارنده کتاب «جهانی شدن، ورزش و قدرت نرم، گردشگری ورزشی» به بررسی رابطه ورزش با قدرت نرم و جهانی شدن به‌طور عام، و البته بدون مبانی و پرداخت نظری به موضوع می‌پردازد، اما به قدرت نرم‌افزاری ورزش در سیاست و روابط خارجی کشورها توجهی نمی‌کند (جلالی فراهانی، ۱۳۹۶). مقاله «ورزش و روابط بین‌الملل: جنبه‌های

مفهومی و تئوریک» مدعی تلاش برای بررسی جنبه‌های مفهومی و نظری ارتباط ورزش با روابط بین‌الملل است. در این مقاله تنها رابطه ورزش با منافع ملی و موضوعاتی مانند ناسیونالیسم، سیاست هویت، ملت‌سازی و تداوم نظام وستفالیایی بررسی شده است و بررسی نظری در خصوص رابطه ورزش با روابط بین‌الملل به چشم نمی‌خورد (زرگر، ۱۳۹۴). بیکام از معدود پژوهشگرانی است که به نقش و جایگاه ورزش در روابط بین‌الملل، به‌عنوان یک موضوع پژوهشی «میان‌رشته‌ای» توجه کرده و از منظر رشته روابط بین‌الملل و مباحث نظری آن به این جایگاه پرداخته است (Beacom, 2000).

صباغیان (۱۳۹۴) با بررسی قدرت نرم ورزش و ابعاد مختلف آن و رابطه ورزش با دیپلماسی عمومی و کارکردهای بین‌المللی ورزش، به چستی «دیپلماسی ورزشی» پرداخته و موارد و مصادیقی از رابطه ورزش با سیاست خارجی و نقش ورزش در روابط خارجی کشورها را نقد و بررسی کرده است. استوارت موری بر پیوند در حال رشد ورزش-دیپلماسی تأکید می‌کند. در این مقاله با رویکرد پژوهش نظری پاره‌ای ملاحظات مورد توجه قرار می‌گیرد تا موجب تحکیم ارتباط میان دو حوزه دیپلماسی و ورزش شود (Murray, 2012). نوشتاری با عنوان «طراحی ارتباط میان ورزش بین‌الملل و دیپلماسی» منبعی مرجع به‌شمار می‌آید که با نگاهی نقادانه به بررسی رابطه میان دیپلماسی و ورزش می‌پردازد (Murray & Pigman, 2014). جوزف مگوایر در مقاله خود با عنوان «ورزش در سیاست خارجی: موضوعات، چالش‌ها و فرصت‌ها» به بررسی ارتباط درونی میان سه مقوله ورزش، سیاست خارجی و دیپلماسی فرهنگی می‌پردازد. وی معتقد است از ابتدای شکل‌گیری ورزش مدرن در اروپای سده نوزدهم ورزش با مقوله ملت‌سازی و ناسیونالیسم در ارتباط بوده و میدان ورزش بین‌الملل به عرصه‌ای برای رقابت میان دولت-ملت‌ها و نمایش ناسیونالیسم تبدیل شده است. از این‌رو، از همان ابتدا ورزش مدرن با ملاحظات و مفاهیم پیچیده سیاست خارجی مرتبط و درگیر بوده است (Maguire, 2015). جانانان گریکس بازی‌های المپیک را مهم‌ترین عرصه ظهور و بروز رخدادهای ورزش سیاسی می‌داند (Grix, 2013). مرکل در مقاله «ورزش به‌مثابه ابزار سیاست خارجی و دیپلماسی» به بررسی نقش ورزش به‌عنوان ابزار دیپلماسی و سیاست خارجی و سه نمونه معروف از دیپلماسی ورزشی از جمله دیپلماسی پینگ‌پنگ (میان چین و آمریکا) می‌پردازد. نکته برجسته این مقاله تلاش نویسنده برای بررسی موضوع رابطه ورزش با دیپلماسی و سیاست خارجی از جنبه‌های مفهومی و نظری است. نویسنده بر این باور است که هر گونه تجزیه و تحلیل نظری و مفهومی «ورزش» به‌مثابه ابزاری دیپلماتیک نیازمند قرار دادن آن در عرصه وسیع‌تر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل است (Merkel, 2016).

۳. چارچوب نظری: رویکردهای مختلف نظری به ورزش

به‌طور کلی بی‌اعتنایی متقابلی میان ورزش و رشته روابط بین‌الملل وجود دارد (لورمور و بودر، ۱۳۹۶: ۶). آلیسون و مانینگتون معتقدند بخشی از بی‌توجهی به ورزش در رشته روابط بین‌الملل ناشی از این واقعیت است که مقوله «ورزش» اغلب خارج از قلمرو واقع‌گرایی و ایده‌آل‌گرایی قرار دارد که رهیافت‌های اصلی رشته روابط بین‌الملل به‌شمار می‌آیند (Allison & Monnington, 2005: 19). «بیرون از دایره به‌نسبت کوچک اندیشه‌ورزان و پژوهشگران عرصه ورزش، کماکان تمایلی به پذیرش این ایده که ورزش موضوعی ارزشمند برای مطالعه است، وجود ندارد. از منظر علم روابط بین‌الملل معضل اصلی ناشی از مفهوم و مصادیق «سیاست اعلی»^۱ است، یعنی تنها موضوعاتی که قادرند در محیط سیاست بین‌الملل تغییر ایجاد کنند» (Beacom, 2000: 17). به‌گمان اندیشمندان و نظریه‌پردازان رشته روابط بین‌الملل مقوله «ورزش» قادر به ایجاد تغییرات شگرف در محیط، روابط و نظام بین‌الملل نیست، بنابراین جزو موضوعات «سیاست اعلی» به‌شمار نمی‌آید. از این رو، «بعد ورزشی روابط بین‌الملل هنوز هم هیچ جایی در مطالعات، پژوهش‌ها و آموزش‌های رشته روابط بین‌الملل ندارد و در رساله‌ها، منابع درسی، واژه‌نامه‌ها، فرهنگ اصطلاحات و فرهنگ‌نامه‌های رشته روابط بین‌الملل هیچ نشانی از ورزش و ورزش بین‌الملل یافت نمی‌شود» (Allison & Monnington, 2005: 18)؛ توضیح این غفلت و بی‌توجهی نیازمند مطالعه دقیقی است. مهم‌ترین فرضیه مطرح در این خصوص این است که ورزش با پارادایم‌ها و گفتمان‌های رشته روابط بین‌الملل، تناسب و همسانی ندارد (Allison & Monnington, 2005: 19).

درباره ورزش به‌عنوان امر و پدیده‌ای اجتماعی، برخی نظریه‌ها و رویکردهای نظری به‌ویژه از منظری جامعه‌شناختی ارائه شده و اندیشمندان علوم اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسان معاصر از جمله مارسل موس^۲، میشل فوکو^۳، تئودور آدورنو^۴، اسلاوی ژیزک^۵، پی‌یر بوردیو^۶ و نوربرت الیاس^۷ درصدد تبیین نقش و تأثیر ورزش بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی از جمله آثار فرهنگی، هویتی و حتی سیاسی آن برآمده‌اند. با وجود این، ورزش بین‌الملل به‌ویژه از منظر نظریه‌های روابط بین‌الملل، با فقر ادبیات و نظریه‌پردازی روبرو شده است. در این پژوهش با الهام و بهره‌گیری از «نظریه میدان» پی‌یر بوردیو، جامعه‌شناس معاصر فرانسوی، یک

-
1. High Politics
 2. Marcel Mause
 3. Michel Foucault
 4. Theodor W. Adorno
 5. Slavoj Zizek
 6. Pierre Bourdieu
 7. Norbert Elias

الگوواره نظری و مدل مفهومی به منظور تبیین چگونگی تعامل میان ورزش و سیاست خارجی طراحی و ارائه می‌شود.

۴. طراحی الگوی مرجع: مدل مفهومی تبیین «رابطه ورزش - سیاست خارجی»

طراحی مدل مفهومی چندوجهی با «وام‌گیری» از عناصر کلیدی «نظریه میدان»^۱ پی‌یر بوردیو راهکار مناسبی برای پاسخ به چرایی تعامل و چگونگی رابطه میان ورزش و سیاست خارجی است. «نظریه میدان» در چارچوب نظریه اجتماعی پی‌یر بوردیو مطرح شده و رهیافتی جامعه‌شناسانه است که به تعامل و تداخل میان عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف «امر اجتماعی» دربرگیرنده عرصه سیاسی، حوزه اقتصادی و میدان فرهنگی می‌پردازد. در پژوهش حاضر با «الهام» از نظریه میدان بوردیو و تعمیم آن به قلمرو سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، میدان بین‌المللی ورزش به‌مثابه «عرصه و میدانی» تلقی می‌شود که دولت-ملت‌ها در چارچوب «راهبرد سیاست خارجی» و به کمک ابزار دیپلماسی ورزشی درصدد کسب و افزایش سرمایه‌های خود هستند تا بتوانند با کمک سرمایه‌های حاصله از سایر میدان‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی (ثروت، قدرت و منزلت) اهداف سیاست خارجی خویش را تحقق بخشند.

۴.۱. مؤلفه‌های واسط میان «میدان ورزش» و «میدان سیاست خارجی»

۴.۱.۱. عناصر میدان و سرمایه (با وام‌گیری از نظریه پی‌یر بوردیو)

پی‌یر بوردیو، جامعه‌شناس معاصر فرانسوی، نظریه جامعه‌شناسانه خود را در خصوص «امر اجتماعی» بیان کرده است. «سازه فکری بوردیو بر پایه سه مفهوم مرتبط به یکدیگر شکل گرفته است؛ این مفاهیم عبارت‌اند از: عادت‌واره^۲، سرمایه و میدان^۳» (شامپاین، ۱۳۹۱: ۹). به نظر می‌رسد نظریه بوردیو و به‌خصوص دو کلیدواژه نظریه‌اش یعنی «میدان و سرمایه» از ظرفیت لازم برای تعمیم به قلمرو «جامعه و روابط بین‌الملل» برخوردار است. «اندیشه جامعه‌شناختی وی به‌طور عمده سیاسی بوده و با دقت در مفاهیم مورد استفاده او می‌توان از مفهوم نظریه سیاسی بوردیویی نام برد که امکانات تحلیلی فراوانی در اختیار رشته علم سیاست قرار می‌دهد» (بابائی، ۱۳۹۰: ۴۰).

بوردیو معتقد است که «پهنه امر اجتماعی را باید به میدانی تشبیه کرد که نیروهای اجتماعی گوناگون هریک با کوله‌باری از سرمایه‌های متفاوت (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی)

1. Champ theory

2. Habitus

3. Champ میدان جنگ، عرصه مبارزه (زمینه، عرصه یا حوزه)

درون آن وارد می‌شوند، و دست به رقابت با یکدیگر می‌زنند تا به بیشترین امتیازات مادی و معنوی دست یابند» (فکوهی، ۱۳۸۶). «بوردیو تلقی جامعه به منزله مجموعه‌ای از افراد، واحدهای ارگانیک یا سیستم‌های اجتماعی را رد می‌کند. در عوض، از حوزه‌ها یا میدان‌های اجتماعی سخن می‌گوید. میدان‌ها تقلیل‌شدنی به یکدیگر یا به نظام منطقی بزرگ‌تری نیستند، بلکه از افرادی تشکیل شده‌اند که دارای منابع گوناگون (انواع سرمایه) هستند و برای کسب پرستیژ، ثروت و قدرت تلاش می‌کنند» (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۹۸). بدین ترتیب «میدان» در نظریه بوردیو عرصه، حوزه و پهنه اجتماعی است که در آن شمار زیادی از بازیگران و کنشگران اجتماعی با منش‌ها و ویژگی‌های تعریف‌شده و توانایی‌های سرمایه‌ای وارد عمل می‌شوند و به رقابت، تعامل یا مبارزه با یکدیگر می‌پردازند تا بتوانند به حداکثر امتیازهای ممکن دست یابند. «از نظر بوردیو میدان جزئی از جهان اجتماعی است که به‌طور مستقل عمل می‌کند، یعنی قوانین و الزام‌های خاص خود را دارد. کسی که به محیطی (سیاسی، هنری یا فکری) وارد می‌شود، باید به نشانه‌ها و قواعد داخلی آن تسلط داشته باشد و اگر نداشته باشد، به‌سرعت از آن خارج می‌شود» (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۴۵). بوردیو از سازوکارهای عام صحبت می‌کند که ویژگی‌های ساختاری همه میدان‌ها هستند، که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- میدان‌ها، حوزه‌های رقابت برای نظارت بر منابع ارزشمندند؛
- میدان‌ها فضاهایی ساخت‌یافته بر مبنای انواع و میزان سرمایه هستند؛
- میدان‌ها اشکالی خاص از رقابت و منازعه را بر کنشگران تحمیل می‌کنند؛
- میدان‌ها تا حدود زیادی بر مبنای سازوکارهای درونی خود نظام یافته‌اند، و از این‌رو دارای میزانی از خودمختاری یا استقلال از محیط بیرونی‌اند (بابانی، ۱۳۹۰: ۴۳-۴۲).

دومین کلیدواژه اساسی در نظریه جامعه‌شناختی بوردیو که به‌عنوان مکمل مفهوم کلیدی «میدان» در تبیین و تفسیر «رویکرد به ورزش بین‌الملل به‌مثابه یک میدان رقابت بر سر سرمایه» به‌کار می‌آید، کلیدواژه «سرمایه» است. «سرمایه از نظر بوردیو اشکال متنوعی دارد: سرمایه اقتصادی (ثروت)، سرمایه فرهنگی (صلاحیت و دانش)، سرمایه نمادین (افتخار و پرستیژ) و سرمایه اجتماعی (اعتماد و پیوندهای اجتماعی)» (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۹۸). جرج ریتزر^۱، جامعه‌شناس، معتقد است «مفهوم میدان در نظریه بوردیو مشابه مفهوم طبقه در مارکسیسم است... میدان مانند نوعی بازار رقابتی است که در آن، انواع سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین) به‌کار می‌رود» (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۲۴). بنابراین می‌توان گفت «میدان» عرصه رقابت و کشمکش برای نظارت بر منابع کمیاب و ارزشمند «سرمایه» است. میدان‌ها عرصه کسب سرمایه، مشروعیت و اعتبار است. از این‌رو، مبارزه‌ای مستمر بر سر کسب و افزایش

1. George Ritzer

اشکال مختلفی از سرمایه میان کنشگران و کارگزاران میدان‌های مختلف در جریان است. نکته مهم اینکه سرمایه‌های حاصل از میدان‌های مختلف مبادله‌شدنی و تبدیل‌شدنی به یکدیگرند. برای مثال، از سرمایه کسب‌شده در میدان اقتصاد و تجارت (ثروت) یا سرمایه میدان فرهنگ (دانش) و سرمایه نمادین (اعتبار و پرستیژ) می‌توان برای افزایش سرمایه میدان سیاست (قدرت سخت/ قدرت نرم) استفاده کرد. به این ترتیب، سرمایه کل ترکیبی از سرمایه‌های کسب‌شده از میدان‌های مختلف است. از دیدگاه بوردیو «دولت حاصل فرایند تراکم گونه‌های مختلف سرمایه است. تراکمی که به دلیل همین ماهیت تراکمی آن دولت را به دارنده نوعی فراسرمایه بدل می‌کند که بر انواع دیگر سرمایه و صاحبان آن قدرت اعمال نفوذ می‌یابد» (بوردیو، ۱۳۸۱: ۱۴۴). البته از منظر بوردیو بالاترین و مهم‌ترین میدان در جامعه (و بر وجه قیاس، در جامعه بین‌الملل) «میدان قدرت» است که سرمایه آن بیشترین اعتبار و اقتدار را به فرد یا کشور می‌بخشد. با این حال، «میدان قدرت» به‌تنهایی کفایت نمی‌کند و نیازمند سایر میدان‌ها از جمله میدان‌های فرهنگی، اقتصادی و حتی ورزشی است (جوانمرد و نوابخش، ۱۳۹۳: ۴۰). بر این اساس، «ورزش» و «سیاست» جزو میدان‌های موجود در عرصه اجتماع هستند که با یکدیگر و بر یکدیگر کنش و تأثیر متقابل دارند. از این رو «میدان سیاست» می‌تواند از سرمایه‌های موجود در «میدان ورزش» بهره‌گیرد و منویات و اهداف خود را در این حوزه دنبال کند، البته میدان ورزش نیز از سرمایه‌ها و ظرفیت‌های موجود در میدان سیاست، بهره‌برداری می‌کند. از این رو، «میدان ورزش» همواره بستر مناسب و مساعدی برای پیگیری اهداف سیاسی از جمله تقویت ملی‌گرایی است و مفهومی به نام «ملی‌گرایی ورزشی»^۱ نیز به همین مقوله می‌پردازد (Bairner, 2001: 17-18).

اگر کوشش نظری بوردیو در تلقی از امور و پدیده‌های اجتماعی به‌مثابه میدان‌های مختلف و تلاش کنشگران فردی و نهادی برای ورود به این میدان‌ها برای رقابت با دیگر کنشگران و کسب سرمایه و امتیازهای حاصل را در نظر بگیریم، شاید بتوان با تعمیم مفهوم بنیادی «میدان» به سطح جامعه بین‌الملل گفت جامعه بین‌الملل متشکل از دولت - ملت‌ها با وجود تفاوت‌های ماهوی‌اش با جوامع داخلی، از جمله وضعیت آنارشیک (بی‌سری) حاکم بر نظام و جامعه بین‌الملل و نبود قدرت مرکزی فائده، کنشگران و بازیگران جامعه بین‌الملل نظام‌های مختلفی (سیاست بین‌الملل، اقتصاد بین‌الملل، مالیه و تجارت بین‌الملل) را شکل داده‌اند و به‌عنوان کارگزاران در درون این نظام با یکدیگر به رقابت، تعامل و تقابل می‌پردازند. در «جامعه بین‌الملل» نوعی ساختار بین‌المللی ورزش هرچند متفاوت از نظام‌های دیگر و مستقل از نظام دولت - ملت‌ها شکل گرفته است که از نهادهای بین‌المللی ورزشی (مانند فیفا و کمیته

- بین‌المللی المپیک) تشکیل شده و قواعد و رژیم حقوقی بین‌المللی خاص خود را دارد. از این جهت، کارگزاران و بازیگران مختلف در سطح فردی، نهادی و دولتی وارد ساختار بین‌المللی ورزش می‌شوند، و در رقابت و تعامل با دیگر کنشگران برای کسب حداکثر سرمایه تلاش می‌کنند. سرمایه حاصل از میدان بین‌المللی ورزش گستره وسیعی از منافع و دستاوردهای مادی و اقتصادی گرفته تا سرمایه اعتباری و پرستیژی را در برمی‌گیرد. بنابراین می‌توان با وام‌گیری از نظریه پی‌یر بوردیو و تعمیم دو مفهوم میدان و سرمایه به عرصه جامعه بین‌المللی نتیجه گرفت:
- جامعه بین‌المللی همانند جوامع داخلی متشکل از مجموعه‌ای از نظام‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری و... است و می‌توان آنها را به‌مثابه میدان‌هایی تلقی کرد که همانند میدان‌های داخلی از نهادها، قواعد و مقررات خاص خود برخوردارند و کنشگران و کارگزاران مختلف (دولت‌ها، نهادها و افراد) در این میدان‌ها به تعامل، تبادل و تقابل می‌پردازند تا در این رقابت مستمر، به کسب بیشترین سرمایه و امتیازهای حاصله نائل شوند.
 - نظام بین‌المللی ورزش یکی از عرصه‌ها و میدان‌های موجود در سطح جامعه بین‌المللی است که از سازمان‌ها، قواعد و رژیم حقوقی بین‌المللی خاص خود برخوردار است. دولت-ملت‌ها و افراد (به نمایندگی از دولت‌ها) در این میدان ورود کرده و به اشکال مختلف در رقابت با سایر کنشگران برای کسب بیشترین سرمایه و آورده تلاش می‌کنند.
 - «میدان ورزش بین‌المللی» و «میدان روابط بین‌المللی» با یکدیگر تداخل، تلاقی و حتی در مواردی تقابل دارند و بر یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند. کنشگران این میدان تلاش می‌کنند از سرمایه میدان ورزش (اعتبار و پرستیژ، منافع مادی و اقتصادی) برای افزایش سرمایه نمادین و کسب اعتبار داخلی و بین‌المللی استفاده کنند.
 - دولت-ملت‌ها در چارچوب «راهبرد سیاست خارجی» خود و از راه «دیپلماسی ورزشی» در میدان ورزش بین‌المللی وارد می‌شوند. از این‌رو کشورها از راه «میدان سیاست خارجی» (راهبرد و سیاست ورزشی) با «میدان بین‌المللی ورزش» در تعامل هستند.
 - شاید بتوان مهم‌ترین امتیاز و سرمایه حاصل از «میدان بین‌المللی ورزش» را سرمایه نمادین (منزلت و احترام) دانست که ناشی از موفقیت در رقابت‌ها و رویدادهای بین‌المللی ورزش است. هرچند نباید از امتیازها و سرمایه‌های مادی (منافع اقتصادی) حاصل از میدان بین‌المللی ورزش نیز غفلت کرد.
 - یکی از جنبه‌های مهم ورزش بین‌المللی برای کشورها، بعد «نمایشی» آن است. ورزش می‌تواند برای کشورها و ملت‌ها اعتبار و منزلتی و رای جایگاه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنها کسب کند. دولت‌ها سعی می‌کنند با کسب سرمایه حاصل از میدان بین‌المللی ورزش، جایگاه خود را در جامعه و روابط بین‌المللی ارتقا بخشند.

۴.۱.۲. عناصر و مؤلفه‌های واسط در مدل مفهومی

در طراحی مدل مفهومی رابطه ورزش-سیاست خارجی افزون‌بر عناصر میدان و سرمایه (الهام گرفته‌شده از نظریه میدان بوردیو) مؤلفه‌های قدرت نرم^۱ و دیپلماسی عمومی^۲ / ورزشی^۳ به‌عنوان حاملان و عاملان اجرا و اعمال ورزش، عناصر و مؤلفه‌های واسط میان میدان سیاست خارجی و میدان بین‌المللی ورزش به‌شمار می‌آیند. در این مدل مفهومی «ورزش» به‌مثابه منبع قدرت نرم به‌وسیله دیپلماسی عمومی / ورزشی، که ابزار کاربست قدرت نرم به‌شمار می‌آید، «میدان سیاست خارجی» را به «میدان بین‌المللی ورزش» مرتبط کرده و دولت - ملت‌ها با بهره‌گیری از «سرمایه، اعتبار و منزلت» حاصل از میدان بین‌المللی ورزش، جایگاه خود را در روابط بین‌الملل ارتقا می‌بخشند و اهداف سیاست خارجی خود را بهتر و مناسب‌تر حمایت و تأمین می‌کنند.

۴.۲. رابطه ورزش و قدرت نرم

قدرت، کلیدی‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده جایگاه کشورها در عرصه روابط بین‌الملل، به‌معنای توانایی نفوذ برای تغییر در رفتار دیگران برای رسیدن به نتیجه مطلوب است. سه راه عمده برای دستیابی به اهداف و منافع ملی کشورها وجود دارد: راه اول، اعمال زور یا تهدید به اعمال زور؛ راه دوم، تطمیع و سوم جذب و اقناع؛ و راه سوم که گویای شکل قدرت نرم است، نسبت به دو راه دیگر کم‌هزینه‌تر است (بابائی، ۱۳۹۳: ۳). مفهوم قدرت نرم با نام جوزف نای^۴ پیوند خورده است. نای با تولید ادبیات و گفتمانی فراگیر درباره قدرت نرم و اشکال نوین قدرت مانند قدرت هوشمند^۵ و قدرت زیرکانه^۶ به‌عنوان پدیدآورنده نظریه / مفهوم قدرت نرم شناخته می‌شود.

اگرچه در تعاریف کلاسیک «قدرت نرم و منابع آن» از سوی جوزف نای اشاره‌ای به منبع قدرت نرم «ورزش» نشده است؛ و او تنها از سه منبع (فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی) به‌عنوان منابع مولد قدرت نرم نام می‌برد (Nye, 2004: 11-15; Nye, 2010: 4; Nye, 2007: 164)، اما در ادامه سیر تکاملی دیدگاه خود درباره قدرت نرم و منابع آن، نای به ابعاد غیرمادی و ارزشی و هنجاری منابع قدرت نرم بیش از پیش تأکید می‌ورزد (نای، ۱۳۹۵: ۱۴۷). «جذابیت و ترغیب» عنصر محوری در تعریف قدرت نرم و معیار اصلی تشخیص و بازشناسی آن از قدرت

-
1. Soft Power
 2. Public Diplomacy
 3. Sport Diplomacy
 4. Joseph Nye
 5. Smart Power
 6. Sharp Power

سخت است و هدف اساسی از اعمال قدرت نرم نیز «کسب اعتبار» است. بنابراین می‌توان در زیرمجموعه «فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی» به‌عنوان منابع اصلی قدرت نرم، به دیگر منابع فرعی قدرت نرم دست یافت که منبع «جذابیت و ترغیب» هستند و موجب «کسب اعتبار و پرستیژ» می‌شوند. «متغیرهای اصلی قدرت نرم عبارت‌اند از: فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی. متغیرهای فرعی و وابسته به آن در بخش فرهنگ مشتمل بر هنر، رسانه و ورزش است. یکی از متغیرهای فرعی و وابسته به جنبه فرهنگی قدرت نرم، ورزش است. امروزه ورزش بر ایجاد همگرایی میان دولت - ملت‌ها نسبت به دیگر متغیرهای اصلی قدرت نرم تأثیر بیشتر و مثبت‌تری دارد» (بابائی، ۱۳۹۳: ۲-۳). «نتیجه یک تحقیق نشان می‌دهد که در حوزه قدرت، شناسایی و برتری یک کشور نسبت به سایر کشورها، آن‌ها هم از راه مسابقات ورزشی، نشانه برتری و تأثیرگذاری ورزش در ایجاد قدرت نرم است؛ و سرمایه‌گذاری دولت‌ها در امر ورزش و برگزاری یا شرکت موفقیت‌آمیز در رویدادهای بین‌المللی ورزشی، در تقویت اتحاد، یکپارچگی و غرور ملی یک کشور تأثیر مثبت می‌گذارد» (بابائی، ۱۳۹۳: ۱).

به‌نظر می‌رسد با توجه به شاخصه‌های قدرت نرم و اهداف به‌کارگیری آن، بتوان ورزش حرفه‌ای و قهرمانی در سطح بین‌المللی را در زمره یکی از منابع قدرت نرم (دست‌کم فرعی و کمکی) قرار داد. «کارکردهای بین‌المللی ورزش، به‌منزله یک منبع قدرت نرم، آن را به ابزار سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی تبدیل کرده به‌طوری‌که کشورها سعی دارند از ورزش - به‌ویژه ورزش‌هایی که جنبه بین‌المللی دارند، و نیز رویدادهای بزرگ ورزشی همچون جام جهانی فوتبال و بازی‌های المپیک، برای اهداف گسترده بین‌المللی خود برای کسب قدرت، ثروت و افزایش منزلت بین‌المللی استفاده کنند» (صباغیان، ۱۳۹۴: ۱۳۲). امروزه ورزش به‌عنوان منبع مهم قدرت نرم که خود سبب ارتقای قدرت نرم کشورها می‌شود، «بستر مناسبی برای عرضه ارزش‌های یک کشور به جهانیان» (شعبانی‌مقدم و فراهانی، ۱۳۹۴: ۵۴)، «ابزاری برای نشان دادن برتری خود بر دیگران، افزایش وجهه بین‌المللی و نفوذ در قلوب مردم» (جلالی‌فراهانی، ۱۳۹۶: ۲۱۲)، و «ابزاری برای ارتقای تصویر کشورشان و بالا بردن وجهه بین‌المللی آن» (جلالی‌فراهانی، ۱۳۹۶: ۲۲۱) است. «افزایش وجهه بین‌المللی به‌خاطر میزبانی موفقیت‌آمیز رویدادهای ورزشی، موفقیت ستارگان ورزشی یک کشور یا عملکرد عالی تیم‌های ورزشی همگی می‌توانند به قدرت نرم تقویت‌شده‌ای تبدیل شوند که برتری فرهنگ و ارزش‌های سیاسی یک کشور را به‌رخ بکشد» (جلالی‌فراهانی، ۱۳۹۶: ۲۳۶).

۳.۴. دیپلماسی عمومی؛ ابزار اعمال نرم‌افزارانه قدرت نرم

تبدیل قدرت نرم از منبعی بالقوه به منبعی مؤثر در ایجاد جذابیت و مقبولیت، سازوکاری است

که از مسیر «دیپلماسی عمومی» گذر می‌کند. در واقع دیپلماسی عمومی را می‌توان اصلی‌ترین مسیر و سازوکار تبدیل قدرت نرم به منبع «جذابیت، مقبولیت و قیادت» برای دولت-ملت‌ها دانست. از این رو، برجسته‌ترین نوع از دیپلماسی‌های نوپدید، که از بسیاری لحاظ با دیپلماسی سنتی متفاوت است، «دیپلماسی عمومی» است که خود به انواع مختلف و متنوعی از جمله دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی فرهنگی و «دیپلماسی ورزشی» تقسیم می‌شود. در دیپلماسی عمومی مقوله‌هایی همچون هنر، ورزش، دانش، فرهنگ، تاریخ و مذهب نقش کلیدی دارند و دولت‌ها با میدان دادن به سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد، زمینه ایجاد ارتباطات فرهنگی، علمی و هنری و ورزشی با سایر کشورها را فراهم می‌کنند. ملیسن معتقد است دیپلماسی عمومی راهبرد ارتباطی ویژه و هدفمند برای ساخت تصویری مثبت از یک کشور نزد افکار عمومی کشور دیگری است (Melissen, 2007: 18). به اعتقاد گراهام «دولت‌ها از دیپلماسی عمومی برای انتقال اطلاعات، انگاره‌ها و ارزش‌ها به‌منظور حمایت از منافعشان استفاده می‌کنند» (Graham, 2014: 522). نکته مهم و اساسی اینکه «دیپلماسی عمومی از اهداف سیاست خارجی و اهداف دیپلماسی سنتی حمایت می‌کند» (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۷). به عبارت دیگر، دیپلماسی عمومی همواره در امتداد و استمرار دیپلماسی سنتی و رسمی تعریف می‌شود و نسبت به آن تأخر رتبه‌ای دارد؛ یعنی دیپلماسی عمومی نه به‌مثابه الگوی جایگزین، بلکه در نقش مکمل و یاری‌دهنده دیپلماسی سنتی برای خدمت به سیاست خارجی دولت‌ها در راستای تحقق اهداف و منافع ملی کشور عمل می‌کند. دو پژوهشگر بیان می‌کنند که «شاید بتوان دیپلماسی عمومی را مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جدید دیپلماتیک دانست که در خدمت دستگاه سیاست خارجی یک کشور قرار می‌گیرد، و تلاش می‌کند تا وجهه و تصویر یک کشور را در جهان بهبود بخشد و باورها و سیاست‌های خود را به‌منظور افزایش نفوذ میان جوامع کشورها گسترش دهد. در این چارچوب می‌توان گفت که هدف نهایی دیپلماسی عمومی تحقق منافع ملی و ارتقای تصویر یک کشور است» (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

۴.۴. ورزش و دیپلماسی ورزشی^۱

بر مبنای مدل مفهومی طراحی شده، دولت-ملت‌ها با بهره‌گیری از منبع قدرت نرم ورزش در «میدان بین‌المللی ورزش» وارد می‌شوند، و در تعامل با دیگر کنشگران این میدان بر سر کسب حداکثر سرمایه به رقابت می‌پردازند. کشورها این مسئله را در قالب «سیاست ورزشی» (ذیل راهبرد کلان سیاست خارجی) به مرحله اجرا درمی‌آورند. ابزار و سازوکار مناسب برای به فعلیت رساندن قدرت نرم ورزش در میدان ورزش بین‌الملل «دیپلماسی ورزشی» نام دارد که

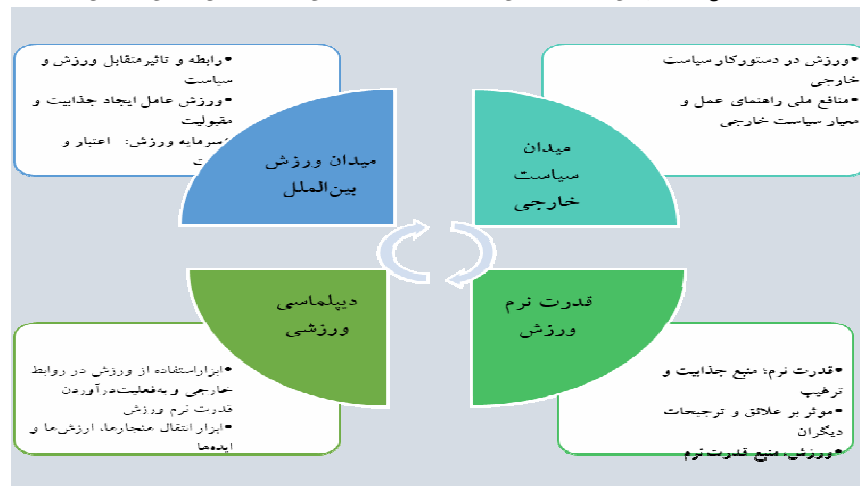
ذیل «دیپلماسی عمومی» طبقه‌بندی می‌شود. از این رو یکی از مؤلفه‌های واسط میان «میدان ورزش بین‌الملل» و «میدان سیاست خارجی»، «دیپلماسی عمومی / ورزشی» است که به‌مثابه عامل اجرای سیاست خارجی و ابزاری برای فعلیت بخشیدن به منابع قدرت نرم، از جمله ورزش، عمل می‌کند. در میان انواع مختلف دیپلماسی‌های نوپدید و زیرشاخه دیپلماسی عمومی، «دیپلماسی ورزشی» پدیده‌ای فراگیر است و شاید بتوان گفت پس از دیپلماسی رسمی مهم‌ترین مؤلفه ارتباطی میان جوامع و کشورها به‌شمار می‌آید. در مورد «دیپلماسی ورزشی»، صباغیان می‌نویسد که سازوکار استفاده از ورزش در سطح روابط بین‌الدولی و بین‌المللی است. «ورزش و نهادهای ورزشی از نظر قلمرو، قدرت و جذابیت در حال گسترش‌اند. ورزش ویژگی جهان‌شمولی دارد، و بر همین اساس دولت‌ها سعی دارند از این قدرت و جذابیت‌های ورزش به‌ویژه در روابط بین‌الملل خود استفاده کنند» (صباغیان، ۱۳۹۴: ۱۴۴).

از کارکردهای مهم ورزش و دیپلماسی ورزشی، انتقال ارزش‌ها و انگاره‌ها و تبادل ایده‌ها و عناصر هویتی و فرهنگی دولت-ملت‌هاست. بنابراین اهمیت دیپلماسی ورزشی در استفاده از ورزش برای انتقال پیام و تأثیرگذاری بر مخاطب عام و از این راه بر دولت‌هاست. موری ادعا می‌کند که «امروزه گفتمان و ادبیات دیپلماسی ورزشی توانسته مرزها را کمرنگ و راه‌های بیشتری را برای گفت‌وگو باز نماید تا از این طریق افراد مختلف در کنار یکدیگر جمع شوند» (Murray, 2013: 14). «دیپلماسی ورزشی به فهم بهتر روابط بین‌الملل و روابط میان دولت - ملت‌ها کمک می‌کند و کلیشه‌ها و تعصبات را از بین می‌برد. ورزش ابزاری «کم‌خطر، کم‌هزینه و پرمحتوا» برای فعالیت‌های دیپلماتیک است» (Murray & Pigman, 2014: 1099). از نظر موری، «دیپلماسی ورزشی شامل فعالیت‌های نمایندگان و اقدام‌های دیپلماتیک صورت‌گرفته توسط افراد ورزشی از طرف دولت‌هایشان و در پیوستگی با آنهاست. این عمل تسهیل‌گر دیپلماسی سنتی است و از افراد و رویدادهای ورزشی برای معطوف کردن نظرها، اطلاع‌رسانی و ایجاد تصویر مطلوب میان افکار عمومی خارجی و سازمان‌هایشان به‌منظور شکل دادن به ادراک آنان استفاده می‌کند، به‌طوری‌که بیشترین سودمندی را برای اهداف سیاست خارجی دولت اعمال‌کننده دارد» (Murray, 2012: 580).

دیپلماسی ورزشی می‌تواند در بسیاری از موارد زمینه‌ساز توسعه و گسترش همکاری‌ها و روابط دوستانه، تسهیل و تسریع یا ترمیم روابط، کاهش منازعات و تنش‌ها و افزایش سطح مناسبات و تعاملات میان کشورها شود، و روابط بین‌الملل را به‌سوی همکاری بیشتر میان بازیگران دولتی و غیردولتی سوق دهد. همچنین بهره‌گیری از دیپلماسی ورزشی در شرایط خاص می‌تواند زمینه‌ساز کاهش محدودیت‌ها، موضع‌گیری‌های خصمانه، تهدیدها و انزوای کشورها شود (شاه‌رضائی و شیرزادی، ۱۳۹۵: ۸). شعبانی‌مقدم و فراهانی بیان می‌کنند که «در

دیپلماسی ورزشی از افراد و رویدادهای ورزشی برای مشارکت دادن، آگاه‌سازی و خلق یک تصویر مطلوب در میان مردم و نهادهای خارجی و شکل دادن به ادراکات آنها استفاده می‌شود، به شکلی که به تسهیل تحقق اهداف سیاست خارجی دولت منجر شود» (۱۳۹۴: ۵۸). با توجه به گستردگی و فراگیر بودن مقوله ورزش و رقابت‌های بین‌المللی ورزشی «اگر موضع، تصویر و پیام دیپلماتیک به صورت اندیشمندانه‌ای طراحی و با ارزش‌های مثبت ورزشی هماهنگ و همراستا شود، ادراک سایر ملل به طرز شگرفی تغییر خواهد کرد» (شعبانی‌مقدم و فراهانی، ۱۳۹۴: ۶۰). همچنین «دیپلماسی ورزشی می‌تواند راه میانبری برای ارسال پیام تغییر سیاست خارجی میان کشورهای از هم بیگانه یا متخاصم باشد. بهترین مصداق و نمونه تاریخی آن دیپلماسی پینگ‌پنگ میان چین و آمریکا در ۱۹۷۱ است» (شعبانی‌مقدم و فراهانی، ۱۳۹۴: ۶۱).

شکل ۱: ماتریس رابطه منطقی میدان سیاست خارجی با میدان بین‌المللی ورزش



(منبع: نگارنده)

۵. نتیجه

در استنتاج نهایی می‌توان گفت در عرصه داخلی «میدان ورزش» با «میدان سیاست» تعامل و تداخل دارد و بر آن تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. بر وجه قیاس، در سطح جامعه بین‌الملل نیز دولت‌ها در چارچوب راهبرد و سیاست خارجی خود و به کمک ابزار «دیپلماسی ورزشی» در «میدان بین‌المللی ورزش» که جزئی از جامعه بین‌المللی است، ورود کرده و تلاش می‌کنند با استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات موجود در این میدان برای خود سرمایه (اعتبار و منزلت، جذابیت و مقبولیت، نفوذ، منافع اقتصادی) کسب کرده و از آن در راستای تحقق

اهداف و تأمین منافع ملی خویش استفاده کنند. بدین ترتیب می‌توان چرایی اهمیت یافتن مقوله ورزش به‌ویژه ورزش بین‌الملل، به‌عنوان منبعی برای افزایش قدرت نرم نزد دولت-ملت‌ها را دریافت و اینکه چرا و چگونه ورزش رقابتی/ قهرمانی در عرصه بین‌الملل در دستور کار سیاست خارجی کشورها گنجانده شده است. با توجه به نبود نظریه‌پردازی در رشته روابط بین‌الملل و کم‌توجهی نظریه‌پردازان به پدیده ورزش، به‌ویژه در نظریه‌ها و رهیافت‌های جریان اصلی روابط بین‌الملل، در این پژوهش تلاش شد با وام‌گیری از عناصر «میدان» و «سرمایه» (برگرفته از نظریه میدان بوردیو) و مؤلفه‌های «قدرت نرم» و «دیپلماسی عمومی/ ورزشی»، یک مدل مفهومی طراحی شود تا بتوان در چارچوب آن به توضیح و تبیین چرایی اهمیت مقوله «ورزش» در سیاست خارجی کشورها و چگونگی استفاده از قدرت نرم ورزش از راه سازوکار دیپلماسی ورزشی برای تحقق اهداف سیاست خارجی و تأمین منافع ملی کشورها پرداخت.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مآخذ

الف (فارسی)

۱. احمدی‌پور، زهرا؛ و دیگران. (۱۳۹۲، تابستان) «مفهوم‌سازی ژئوپلیتیک ورزش»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۹، ۲: ۴۸-۱. <DOR:20.1001.1.17354331.1392.9.30.1.4>.
۲. بابائی، رسول. (۱۳۹۰، پاییز) «امکانات سیاسی در نظریه جامعه‌شناختی پی‌یر بوردیو: تولید نظریه سیاسی»، فصلنامه سیاست، ۴۱، ۳: ۵۶-۳۹. در: https://jpuq.ut.ac.ir/article_29795.html
۳. بابائی، محمد. (۱۳۹۳) قدرت نرم در نظام بین‌الملل و تأثیرات هم‌گرایی در ورزش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، ایران.
۴. بوردیو، پی‌یر. (۱۳۸۱، تابستان) «کنش‌های ورزشی و کنش‌های اجتماعی»، ترجمه محمدرضا فرزاد، فصلنامه ارغنون، ۲۰: ۲۴۵-۲۲۷. در: <http://ensani.ir/fa/article/221183>
۵. حشمت‌زاده، محمداقرا؛ سیدمحمدحسین اکرمی. (۱۳۹۵، تابستان) «ارتباط‌سنجی ورزش و سیاست با بهره‌گیری از نظریه آنتونیو گرامشی»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۷، ۱۱: ۳۵-۱۰. در: https://pij.sbu.ac.ir/article_99356.html
۶. جلالی‌فراهانی، مجید. (۱۳۹۶) جهانی شدن، ورزش و قدرت نرم، گردشگری ورزشی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. جوانمرد، کمال؛ مهرداد نوابخش. (۱۳۹۳، تابستان) «بررسی جامعه‌شناختی کارکرد ورزش بر انسجام اجتماعی در ایران دهه هشتاد»، مطالعات علوم اجتماعی، ۱۱، ۴۱: ۵۴-۳۷. در: http://journal.aukh.ac.ir/article_527979.html

۸. داداندیش، پروین؛ افسانه احدی. (۱۳۹۰، بهار) «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، ۳، ۱: ۱۷۳-۱۴۳، در:
- http://frqjournal.csr.ir/article_123548.html
۹. ریتزر، جورج. (۱۳۷۴) *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی، ج ۲.
۱۰. زرگر، افشین. (۱۳۹۴) «ورزش و روابط بین‌الملل: جنبه‌های مفهومی و تئوریک»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۱۱، ۳۱: ۴۸-۷، در: http://psq.kiau.ac.ir/article_523561.html
۱۱. سیدمن، استیون. (۱۳۸۶) *کشاکش آراء در جامعه‌شناسی: نظریه‌های امروز جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی خلیلی. تهران: نشر نی.
۱۲. شامپاین، پاتریک. (۱۳۹۱) *پیر بوردیو، ترجمه ناهید مؤیدحکمت*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۳. شاه‌رضائی، فاطمه؛ رضا شیرزادی. (۱۳۹۵) «نقش ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶-۱۳۹۲)»، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۵، ۳۲: ۳۶-۱، در:
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=316410>
۱۴. شعبانی‌مقدم، کیوان؛ ابوالفضل فراهانی. (۱۳۹۴) *سیاست و روابط بین‌الملل در ورزش*. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۵. صباغیان، علی. (۱۳۹۴) «پاییز» *دیپلماسی ورزشی*، *فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۶، ۳۱: ۱۵۱-۱۳۱، در: http://www.jccs.ir/article_12599.html
۱۶. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۴، بهار) «پیربوردیو: پرسمان دانش و روشنفکری»، *مجله علوم اجتماعی*، ۲، ۱: ۱۶۱-۱۴۱، <DOI:10.22067/JSS.V010.5251>
۱۷. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۶، فروردین ۲۷) «ورزش و قدرت»، در: <http://www.fakouhi.com/node/775>
۱۸. لورمور، روگر و آدرین بودر. (۱۳۹۱) *ورزش و روابط بین‌الملل*، ترجمه سیدنصرالله سجادی و اکبر حیدری. تهران: نشر علوم ورزشی.
۱۹. محمدی‌عزیزآبادی، مهدی؛ رضا التیامی‌نیا. (۱۳۹۴، بهار) «نقش تبعی و تسریع‌کننده ورزش در فراهم کردن شرایط صلح در بین دولت‌ها»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ۲۲: ۱۷۹-۱۴۹، در: http://pir.iaush.ac.ir/article_556118.html
۲۰. ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۸، تابستان) «ورزش و سیاست»، *فصلنامه سیاست*، ۳۹، ۹: ۳۱۶-۳۰۱، در: https://jppq.ut.ac.ir/article_20173.html
۲۱. نای، جوزف. (۱۳۹۵) *آینده قدرت*، ترجمه احمد عزیزی. تهران: نشر نی، ج ۳.
۲۲. هادیان، ناصر؛ افسانه احدی. (۱۳۸۸، پاییز) «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، ۱، ۳: ۸۵-۱۱۷، در: <DOR:20.1001.1.20085419.1388.1.3.4.3>

(ب) منابع انگلیسی

23. Allison, Lincoln. (2005) *The Global Politics of Sport*. New York: Routledge.
24. Allison, Lincoln; and Terry Monnington. (2005) "Sport, Prestige and International Relations," in Allison Lincoln, ed. *The Global Politics of Sport*. New York: Routledge.
25. Bairner, Alan. (2001) *Sport, Nationalism and Globalization*. New York: State University of New York Press.

26. Beacom, Aaron. (2000) "Sport In International Relations: A Case For Cross-Disciplinary Investigation," *The Sports Historian* 20, 2: 1-23, <DOI:10.1080/17460260009443366>.
27. Beck, Peter J. (2013) "War Minus the Shooting; George Orwell on International Sport and Olympics," *Sport in History* 33, 1: 65-80, <DOI:10.1080/17460263.2012.761150>.
28. Black, David. (2009) "Dreaming Big: The Pursuit of Second Order Games as a Strategic Response to Globalization," in Steven J. Jackson and Stephen Haigh, ed. *Sport and Foreign Policy in a Globalizing World*. London: Routledge.
29. Graham, Sara Ellen. (2014) "Emotion and Public Diplomacy: Dispositions in International Communications, Dialogue, and Persuasion," *International Studies Review* 16, 4: 522-539, <DOI: 10.1111/misr.12156>.
30. Grix, Jonathan. (2013) "Sport Politics and the Olympics," *Political Studies Review* 11: 15-25, <DOI:10.1111/1478-9302.12001>.
31. Houlihan, Barrie. (1997) "Sport, National Identity and Public Policy," *Nations and Nationalism* 3, 1: 113-137, <DOI:10.1111/j.1354-5078.1997.00113.x>.
32. Kobierecki, Michał Marcin. (2013) "Sport in International Relations: Expectations, Possibilities and Effects," *Interdisciplinary Political and Cultural Journal* 15, 1: 49-74, <DOI:10.2478/ipcj-2013-0004>.
33. Maguire, Joseph A. (2015) "Sport in Foreign Policy: Issues, Challenges and Opportunities," *IFA Culture and Foreign Policy*. Stuttgart: Institut für Auslandsbeziehungen (IFA). Available at: <https://nbn-resolving.org/urn:nbn:de:0168-ssoar-51129-1> (Accessed 21 October 2020).
34. Melissen, Jan. (2007) "The New Public Diplomacy: Between Theory and Practice," in Jan Melissen, ed. *The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations*. New Hampshire: Palgrave- Macmillan.
35. Merkel, Udo. (2016) "Sport as a Foreign Policy and Diplomatic Tool," in Bairner, Alan; John Kelly, and Jung Woo Lee, eds. *Routledge Handbook of Sport and Politics*. Available at: <https://www.routledgehandbooks.com/doi/10.4324/9781315761930> (Accessed 3 May 2019).
36. Murray, Stuart. (2012) "The Two Halves of Sports-Diplomacy," *Diplomacy and Statecraft* 23, 3: 576-592, <DOI:10.1080/09592296.2012.706544>.
37. Murray, Stuart. (2013) "Moving beyond the Ping-Pong Table: Sports Diplomacy in the Modern Diplomatic Environment," *Public Diplomacy Magazine* 9: 11-16. Available at: <https://paperzz.com/doc/8790880/moving-beyond-the-ping-pong-table> (Accessed 3 May 2019).
38. Murray, Stuart; and Geoffrey A. Pigman. (2014) "Mapping the Relationship between International Sport and Diplomacy," *Sport in Society* 17, 9: 1098-1118, <DOI:10.1080/17430437.2013.85661>.
39. Nye, Joseph S. (2004) *Soft Power: the Means to Success in World Politics*. New York: Public Affairs.
40. Nye, Joseph S. (2007) "Notes For a Soft Power Research Agenda," in Felix Berenskoetter and M. J. Williams, eds. *Power in World Politics*. London and New York: Routledge.
41. Nye, Joseph S. (2010) "The Future of Soft Power in US Foreign Policy," in Indeerjet Parmar and Michael Cox, eds. *Soft Power and US Foreign Policy: Theoretical and Contemporary Perspectives*. London and New York: Routledge.
42. Taylor, Trevor. (1986) "Sport and International Relations: A Case of Mutual Neglect," in Allison Lincoln, ed. *The Politics of Sport*. Manchester: Manchester University Press.
43. Tomlinson, Alan. (2005) "Olympic Survivals: The Olympic Games as a Global Phenomenon," in Allison Lincoln, ed. *The Global Politics of Sport*. London and New York: Routledge.



Research Paper

Studying the Relationship between Sport and Foreign Policy on the Basis of Pierre Bourdieu's Field Theory

Naser Hadian^{*1}, Amir Houshang Karimi²

¹ Assistant Professor, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

² PhD in International Relations, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

Received: 24 August 2019, Accepted: 20 June 2022
© University of Tehran

Abstract

Modern Sport has a significant role and position in current international system, and can be considered a multi-faceted phenomenon with political, economic, cultural and geopolitical aspects and clear consequences for domestic and foreign policy of most states. In spite of the claim made by international sport organizations about the separation of sport and politics and the lack of political manipulation of sport events, one should acknowledge the substantial impact of internal-external politics on sport. Accordingly, modern sport has gradually played a significant role in all sorts of interactions among states. In fact, sport has become an international and global phenomenon which can be a large part of foreign policy agenda of most states. There has been a large number of studies, primarily conducted by sociologists regarding the nature and extent of relationship between sport and politics. In fact, there is a specific sub-discipline called sociology of sport, which aims at studying the social aspects of sport. However, a review of literature covering books and articles written by scholars concerning theories of international relations in the academia reveal that scant attention has been paid to the linkage between sport and foreign policy. In general, there has been a degree of inattention and neglect of the political aspect of the phenomenon of sport in the theories of international relations.

Since a theoretical and conceptual framework is needed to better understand the importance of the role of sport in foreign policy, the authors design a conceptual model inspired by Bourdieu's field theory in their quest to describe and explain the nature of foreign policy-sport linkage. The main research questions are: 1. What is the nature of the relationship between sport and foreign policy? 2. To what extent can sport influence diplomatic

* Corresponding Author Email: nhadian@ut.ac.ir

relations, and the advancement of peace in the international system? In the research hypothesis, it is postulated that international sport, as an effective instrument of foreign policy, contributes to goodwill and the advancement of peace in international system by creating opportunities for public diplomacy and shaping soft power of countries. For hypothesis-testing, the authors adopt a qualitative approach, and focus on sports as a political phenomenon. Based on a careful analysis of available evidence and written material, and the use of the two elements of "field and capital" in Bourdieu's theory, they explain how various governments may use sport diplomacy and soft power to achieve their foreign policy goals. The main conclusion of the research show that international sport has been used by states to fulfil their foreign policy objectives. The more successful countries are the ones which have endeavored to invest more in national capacity-building in order to become more competitive in international sports events, instead of stressing the use of force and coercion in their interactions with other international actors. They have reaped the benefit of increasing 'capital' (in the form of prestige, dignity, acceptability, attractiveness, influence and economic benefits), and then using the 'capital' to attain their goals and secure their national interests in an increasingly competitive international arena. No country should ignore the issue of sport, particularly international sport as a useful source of soft power. Furthermore, international relations scholar should be more attentive to the role of international sport in national foreign policy agenda settings, and international power politics.

Keywords: Sport Diplomacy, Soft Power, International Relation Theory, Foreign Policy Instruments.

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0003-0883-7764>

References

- Ahmadi Pour, Zahra, et al. (2013, Summer) "Mafhom'sāzi-e jeopolitik-e varzesh (Conceptualization of Geopolitics of Sport)," *Fasl'nāmeḥ-ye jeopolitick (International Quarterly of Geopolitics)* 9, 2: 1-48, <DOR:20.1001.1.17354331.1392.9.30.1.4>. [in Persian]
- Allison, Lincoln. (2005) *The Global Politics of Sport*. New York: Routledge.
- Allison, Lincoln; and Terry Monnington. (2005) "Sport, Prestige and International Relations," in Lincoln Allison, ed. *The Global Politics of Sport*. New York: Routledge.
- Babaei, Rasool. (2011, Autumn) "Emkānāt-e siyāsi dar nazari-ye jāme'eh'shenākhti-ye pierre bourdieu: tolid-e nazariyeh siyāsi (Political

- Capacities in Sociological Theory of Pierre Bourdieu: Political Theory Building)," *Fasl'nāmeḥ-i siyāsāt (Politics Quarterly)* 41, 3: 39-56. Available at: https://jppq.ut.ac.ir/article_29795.html (Accessed 17 November 2018). [in Persian]
- Babaei, Mohammad. (2014) *Ghodrat-e narm dar nezām-e beinol'melal va tasirāt-e ham'gerāyāneh dar varzesh (Soft Power in International Relations and its Effects on Sport)*, M.A Thesis, University of Gilan, Iran. [in Persian]
- Bairner, Alan. (2001) *Sport, Nationalism and Globalization*. New York: State University of New York Press.
- Beacom, Aaron. (2000) "Sport In International Relations: A Case For Cross-Disciplinary Investigation," *The Sports Historian* 20, 2: 1-23, <DOI:10.1080/17460260009443366>.
- Beck, Peter J. (2013) "War Minus the Shooting; George Orwell on International Sport and Olympics," *Sport in History* 33, 1: 65-80, <DOI:10.1080/17460263.2012.761150>.
- Black, David. (2009) "Dreaming Big: The Pursuit of Second Order Games as a Strategic Response to Globalization," in Steven J. Jackson and Stephen Haigh, ed. *Sport and Foreign Policy in a Globalizing World*. London: Routledge.
- Bourdieu, Pierre. (2002, Summer) "Konesh'hā-ye varzeshi va konesh'hā-ye ejtemā'i (Sport Actions and Social Actions)," trans. Mohammad Reza Farzad. *Fasl'nāmeḥ-i arghenoon (Arghenon Quarterly)* 20: 227- 245. Available at: <http://ensani.ir/fa/article/221183> (Accessed 15 August 2018). [in Persian]
- Champagnie, Patrick. (2012) *Pierre Bourdieu*, trans. Nahid Hekmat. Tehran: Center for Human Sciences and Cultural Studies. [in Persian]
- Dadandish, Parvin; and Afsaneh Ahadi. (2011, Spring) "Jayegāh-e diplomāsi-ye omomi dar siyāsāt-e khāreji-ye jomhouri-e eslāmī-'i Irān (The Position of Public Diplomacy in Foreign Policy of I. R. Iran)," *Fasl'nāmeḥ-ye ravābet-e khārejī (Foreign Relations Quarterly Journal)* 3, 1: 143-173. Available at: http://frqjournal.csr.ir/article_123548.html (Accessed 18 November 2019). [in Persian]
- Fokouhi, Nasser. (2005, Spring) "Pierre Bourdieu: porsemān-e dānesh va roshanfekri (Pierre Bourdieu: Question about Knowledge and Enlightening)," *Majale-ye oloom-e ejtemā'i (Social Science Quarterly)* 2, 1: 141-161, <DOI:10.22067/JSS.V0I0.5251>. [in Persian]
- Fokouhi, Naser. (2007, April 16) "Varzesh va ghodrat (Sport and Power)," *fakouhi.com*. Available at: <http://www.fakouhi.com/node/775> (Accessed 15 August 2018). [in Persian]
- Graham, Sara Ellen. (2014) "Emotion and Public Diplomacy: Dispositions in International Communications, Dialogue, and Persuasion," *International Studies Review* 16, 4: 522-539, <DOI:10.1111/misr.12156>.
- Grix, Jonathan. (2013) "Sport Politics and the Olympics," *Political Studies Review* 11: 15-25, <DOI:10.1111/1478-9302.12001>.
- Hadian, Naser; and Afsaneh Ahadi. (2009, Autumn) "Jayeghāh-e mafhomi-ye diplomāsi-ye omomi (The Conceptual Position of Public Diplomacy)," *Fasl'nāmeḥ-ye ravābet-e khārejī (Foreign Relations*

- Quarterly Journal*)1, 3: 85-117, <DOR:20.1001.1.20085419.1388.1.3.4.3>. [in Persian]
- Heshmat Zade, Mohammad Bagher; and Mohammad Hossein Akrami. (2016, Autumn) "Ertebāt'sanji-ye varzesh va siyāsāt ba bahregiri az nazariyeh-ye Antonio Grāmsci (Analyzing the Relationship between Sport and Politics by Using the Theory of Gramsci)," *Rahyāft'hā-ye siyāsī va bein'ol mellali (Political and International Approaches)* 7, 1: 10-35. Available at: https://piaj.sbu.ac.ir/article_99356.html (Accessed 15 November 2019). [in Persian]
- Houlihan, Barrie. (1997) "Sport, National Identity and Public Policy," *Nations and Nationalism* 3, 1: 113-137, <DOI:10.1111/j.1354-5078.1997.00113.x>.
- Jalali Farahani, Majid. (2017) *Jahāni'shodan-e varzesh va ghodrat-e narm, gardesh'gari-ye varzeshi (Globalization, Sport and Soft Power: Sport Tourism)*. Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Javanmard, Kamal; and Mehrdad Navabakhsh. (2014) "Baresi-ye jāme'eh'shenākhti-ye karkard-e varzesh bar ensejam-e ejtemā'i (A Sociological Study of the Function of Sport in Social Cohesion in Iran in the 1980s)," *Motāleāt-e oloom-e ejtemā'i (Journal of Social-Cultural Changes)* 11, 41: 37-54. Available at: http://journal.aukh.ac.ir/article_527979.html (Accessed 15 September 2018). [in Persian]
- Kobierecki, Michał Marcin. (2013) "Sport in International Relations: Expectations, Possibilities and Effects," *Interdisciplinary Political and Cultural Journal* 15, 1: 49-74, <DOI:10.2478/ipcj-2013-0004>.
- Levermore, Roger; and Adrian Budder. (2012) *Varzesh va ravābet-e bein'ol mellal (Sport and International Relations: An Emerging Relationship)*, trans. Nasrollah Sajjadi and Akbar Heidari. Tehran: Nashr-e Oloom-e varzeshi. [in Persian]
- Maguire, Joseph A. (2015) "Sport in Foreign Policy: Issues, Challenges and Opportunities," *IFA Culture and Foreign Policy*. Stuttgart: Institut für Auslandsbeziehungen (IFA). Available at: <https://nbn-resolving.org/urn:nbn:de:0168-ssoar-51129-1> (Accessed 21 October 2020).
- Malekootian, Mostafa. (2009, Summer) "Varzesh va siyāsāt (Sport and Politics)," *Fasl'nāme'h-'i siyāsāt (Politics Quarterly)* 39, 2: 301-316. Available at: https://jppq.ut.ac.ir/article_20173_3ee84fb8432f68d8a68321340d972257.pdf (Accessed 15 November 2018). [in Persian]
- Melissen, Jan. (2007) "The New Public Diplomacy: Between Theory and Practice," in Jan Melissen, ed. *The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations*. New Hampshire: Palgrave- Macmillan.
- Merkel, Udo. (2016) "Sport as a Foreign Policy and Diplomatic Tool," in Bairner, Alan; John Kelly, and Jung Woo Lee, eds. *Routledge Handbook of Sport and Politics*. Available at: <https://www.routledgehandbooks.com/doi/10.4324/9781315761930> (Accessed 3 May 2019).
- Mohammadi Aziz-Abadi, Mehdi; and Reza Eltiaminia. (2015, Spring) "Naghsh-e tabai va tasri'konande-ye varzesh dar farāham kardan-e sharāyet-e solh dar bein-e dolat'hā (the Subordinating and Accelerating Role of Sport in Providing Conditions for Peace among States),"

- Fasl'nāmeḥ-ye takghighāt-e siyāsī bein'ol mellali (International Political Researches Quarterly)* 22: 149-179. Available at: http://pir.iaush.ac.ir/article_556118.html (Accessed 15 September 2018). [in Persian]
- Murray, Stuart. (2012) "The Two Halves of Sports-Diplomacy," *Diplomacy and Statecraft* 23, 3: 576-592, <DOI:10.1080/09592296.2012.706544>.
- . (2013) "Moving beyond the Ping-Pong Table: Sports Diplomacy in the Modern Diplomatic Environment," *Public Diplomacy Magazine* 9: 11-16. Available at: <https://paperzz.com/doc/8790880/moving-beyond-the-ping-pong-table> (Accessed 3 May 2019).
- Murray, Stuart; and Geoffrey A. Pigman. (2014) "Mapping the Relationship between International Sport and Diplomacy," *Sport in Society* 17, 9: 1098-1118, <DOI:10.1080/17430437.2013.85661>.
- Nye, Joseph S. (2004) *Soft Power: the Means to Success in World Politics*. New York: Public Affairs.
- . (2007) "Notes For a Soft Power Research Agenda," in Felix Berenskoetter and M. J. Williams, eds. *Power in World Politics*. London and New York: Routledge.
- . (2010) "The Future of Soft Power in US Foreign Policy," in Inderjeet Parmar and Michael Cox, eds. *Soft Power and US Foreign Policy: Theoretical and Contemporary Perspectives*. London and New York: Routledge.
- . (2016) *Ayande-ye ghaodrat (The Future of Power)*, trans. Ahmad Azizi. Tehran: Nashr-e Nay. [in Persian]
- Ritzer, Goerge. (1995) *Nazariye-e jāme'eh'shenāsi dar dorān-e moāser (Contemporary Sociological Theory)*, trans. Mohsen Salasi. Tehran: Elmi. [in Persian]
- Sabbaghian, Ali. (2015, Autumn) "Diplomsi-ye varzesh (Sport Diplomacy)," *Fasl'nāmeḥ-ye motāleāt-e farhang- ertebātāt (Culture- Communication Studies Quarterly)* 16, 31: 132-151. Available at: http://www.jccs.ir/article_12599.html (Accessed 15 October 2018). [in Persian]
- Seidman, Steven. (2004) *Keshākeh-e ārā' dar jāme'eh'shenāsi: nazariye'hā-ye emroz-e jāme'eh'shenāsi (Contested Knowledge: Social Theory Today)*, trans. Hadi Khalili. Tehran: Nashr-e Nay. [in Persian]
- Shabani, Kayvan; and Abolfazl Farahani. (2015) *Siyāsāt va ravābet-e bein'ol'melal dar varzesh (Politics and International Relations in Sport)*. Tehran: Jihad Daneshghahi Publication. [in Persian]
- Shahrezaei, Fatimah; and Reza Shirzadi. (2016) "Naghsh-e varzesh dar gostaresh-e monāsebāt-e Jomhouri-e eslāmī-'i Irān (The Role of Sport in International Relations of I. R. Iran, 1997-2013)," *Motāleāt-e rāhbord-ye varzesh va javānān (Strategic Studies on Sport and Youths Quarterly)* 15, 32: 1-36. Available: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=316410>. [in Persian]
- Taylor, Trevor. (1986) "Sport and International Relations: A Case of Mutual Neglect," in Allison Lincoln, ed. *The Politics of Sport*. Manchester: Manchester University Press.

- Tomlinson, Alan. (2005) "Olympic Survivals: The Olympic Games as a Global Phenomenon," in Allison Lincoln, ed. *The Global Politics of Sport*. London and New York: Routledge.
- Zargar, Afshin. (2015, Summer) "Varzesh va ravābet-e bein'ol mellal: janbe'hā-ye mafhomi va teorik (Sport and International Relations: Conceptual and Theoretical Aspects)," *Fasl'nāmeḥ-ye oloom-e siyāsi (Political Science Quarterly)* 11, 31: 7-48. Available at: http://psq.kiau.ac.ir/article_523561.html (Accessed 15 October 2018). [in Persian]



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.